

نزول از قرآن برای انسان؛ معنای سوم نزول قرآن

لسانی‌فشارکی با بیان اینکه تعلیم قرآن با خلق انسان همراه بوده است گفت: معنای سوم نزول قرآن، نزول از قرآن برای انسان و تعیین‌کننده بودن شرایط انسان در تاثیر قرآن است.



لسانی‌فشارکی با بیان اینکه تعلیم قرآن با خلق انسان همراه بوده است گفت: معنای سوم نزول قرآن، نزول از قرآن برای انسان و تعیین‌کننده بودن شرایط انسان در تاثیر قرآن است.

نزول از قرآن برای انسان؛ معنای سوم نزول قرآن

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، نشست «واپسین نامه خدا به انسان و سهم انسان در آن» به همت انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه تهران و با همکاری مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی، با حضور لسانی‌فشارکی بعد از ظهر امروز، ۴ دی، در باشگاه دانشجویی دانشگاه تهران برگزار شد.

لسانی در آغاز سخنانش با اشاره به آیات اولیه سوره الرحمن «الرَّحْمَنُ* عَلَّمَ الْقُرْآنَ* خَلَقَ الْإِنْسَانَ: [خدای] رحمان* قرآن را یاد داد* انسان را آفرید» (الرحمن/ ۱-۳) گفت: انسان برای رسیدن به پیام خدا به واسطه نیاز ندارد. اینکه «خلق الانسان» وسط مبتدی و خبر آمده است، می‌تواند محل تفسیرهای مختلف باشد. در یک تفسیر گفته می‌شود که در واقع الرحمن یا خداوند، خلقت انسان و آموزش قرآن را با هم انجام داده است و یا همان خدای رحمانی که انسان را آفریده است، قرآن را هم تعلیم داده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ادامه داد: یکی از اصل‌هایی که در تفسیر و فهم قرآن مقام معظم رهبری در مجالس مشهد آمده است این است که وقتی ترتیبی که در قرآن می‌آید، در واقع ترتیب به همان شکل، بیان‌کننده مطلب و مراد خداوند بوده است. با توجه به این مسئله خدا دو کار را با هم انجام داد، از این رو معلوم است که خدا زمانی که انسان را خلق کرد، قرآن را هم به انسان تعلیم داده است. همان طوری که در آیات مربوط به خلقت بشر در سوره بقره هم بحث تعلیم اسماء مطرح است.

همزمانی خلق قرآن و تعلیم آن به انسان

وی افزود: ضمیر «ه» در ادامه این سوره و در آیه «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» به او بیان آموخت» (الرحمن/ ۴) به انسان برمی‌گردد و این سه تعبیر یکی می‌شود و در آیات آغازین سوره الرحمن، خدا سه کار را با هم انجام داده است یعنی، خلق، تعلیم قرآن و بیان به انسان. در آیات اولیه سوره علق هم همین مسئله را می‌بینیم آنجا که خداوند می‌فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» بخوان به نام پروردگارت که آفرید، آیات، شبیه به این مضمون است اما در قرآن به این روشنی جایی نیامده است.

وی افزود: اگر انسان می‌تواند مسائل خود را بیان کند هم، این را از اصل خمیرمایه‌اش در خلقت دارد. انسان بیان آموخته، خلق شد و قرآن را آموخته بود و اگر می‌بینیم در قرآن می‌گوید «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ؛ این [قرآن] برای مردم بیانی است» (آل عمران/ ۱۳۸) قبل از هر چیز این آیات به ذهن می‌آید. اگر زبان در زندگی انسان مطرح است که با این زبان فکر می‌کند، با همین زبان به نحوی محیطش را شناسایی می‌کند که در «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» به عجين بودن آن با خلقت انسان اشاره شده است.

لسانی با بیان اینکه چهارده قرن پس از نزول قرآن، دانشمند برجسته معاصر، نوآم چامسکی، در اوج خود چنین مسئله‌ای را می‌گوید، گفت: چامسکی معتقد است که هر انسانی در وجود خودش دستگاهی زبانی دارد که این به تعبیر ما دستگاه فطری-خلقی است، این نظریه چامسکی زود پذیرفته شد. حرف چامسکی این بود که اگر این دستگاه را خردسال‌ها نداشتند، نمی‌توانستند در هر موقعیت زبانی که قرار می‌گیرند، زبان مادری را شناسایی کنند و بدون آموزشی ویژه آن را دریابند.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد افزود: از آنجا که انسان‌ها دستگاه زبانی دارند، این زمینه را دارند که زبانی که در محیط اطراف‌شان وجود دارند را فرا بگیرند. زامن هوف، مخترع اسپرانتو گفت اگر کودکی در محیطی هشت زبانه باشد، درست مثل زبان مادری هشت زبان را فرامی‌گیرد و می‌تواند با هشت زبان سخن بگوید و در عرض هم همین زبان‌ها را یاد می‌گیرد، در حالی که هر زبان با زبان دیگر تفاوت زیادی دارد.

لسانی تصریح کرد: همین را خدا می‌گوید که «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» که این بیان فراتر از زبان است. زبان همان بیان است، اما بیان خیلی چیزهای دیگر هم هست. بیان شامل تفکر هم می‌شود و چامسکی کاری با تفکر ندارد. قرآن می‌گوید هر انسانی در متن خلقتش بیان را آموخته که زبان و به بیانی همه زبان‌ها و در واقع قرآن را آموخته است.

وی ادامه داد: وقتی انسان قرآن را دریافت می‌کند، آن را به زبان خود می‌یابد و در تحقیقات ارزنده شهید مطهری است که ایشان می‌گوید زبان قرآن، زبان فطرت است و به تعبیری انسان احساس تضادی بین فطرت و قرآن نمی‌کند. بحث فراتر است و مانند این است که قرآن قبلاً آموخته شده و الان به یاد آورده می‌شود. چگونه عیسی در گهواره بود که سخن گفت، در آیه «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أُوتِيتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تَكْلِمُ النَّاسِ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنَّا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ؛ [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود ای عیسی پسر مریم نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور آنگاه که تو را به روح‌القدس تایید

کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن گفتم و آنگاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و آنگاه که به اذن من از گل [چیزی] به شکل پرنده می‌ساختی پس در آن می‌دمیدی و به اذن من پرنده‌ای می‌شد و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می‌دادی و آنگاه که مردگان را به اذن من [زنده از قبر] بیرون می‌آوردی و آنگاه که [آسیب] بنی‌اسرائیل را هنگامی که برای آنان حجت‌های آشکار آورده بودی از تو باز داشتم پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند این [ها چیزی] جز افسونی آشکار نیست و همان کتاب با مردم تکلم کرد» این آشنایی قبلی با قرآن را می‌بینیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد تصریح کرد: همه سابقه آشنایی به قرآن دارند و اگر مانعی نباشد، آن را قبول می‌کنند. مراد از حجاب هم همین موانع است. موانع بسیاری هستند که حجاب می‌شوند، حجاب گره خوردن به زندگی دنیاست. در آیات مربوط به حضرت شعیب به این حجاب‌ها اشاره شده است.

سیاق علم به قرآن

لسانی با بیان اینکه باید سیاق آیات اولیه سوره الرحمن را در ادامه آیات دید، گفت: قرآن در ادامه این سوره آنچه کنار هم قرار می‌دهد، بقیه کارهای خداست و در آن به نوعی اشاره می‌کند که همه جهان به خاطر انسان آفریده شده است.

وی افزود: تعلیم قرآن، بیان و زبان به همراه خلق انسان بوده است و انسان وقتی پدید می‌آید، دارای زبان و قرآن است. به همان صورت که انسان آماده استفاده از آب، نور و هواست، آماده پذیرش قرآن و هر بیان دیگر است. وقتی به کسانی برمی‌خوریم که قرآن نیاموخته‌اند، اما محتوای آن را بیان می‌کنند، به این معناست که به صورتی قرآن را مستقیم و بدون وابستگی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و همان طوری که به دنیا آمده‌اند، دریافت کرده‌اند. این شدنی است و قرآن می‌توانسته است، به زبان انبیا و غیرانبیا و بدون نظام آمده باشد. قرآن پیش از نزول در همه انسان‌ها حضور داشته است و شعر حافظ، وقتی می‌گوید که «گفتم این جام جهان بین به تو کی داد حکیم/ گفت آن روز که این گنبد مینا می‌کرد» را باید در همین راستا تفسیر کرد.

سهم انسان در قرآن

لسانی با بیان اینکه قرآن از جنس زبان خود انسان است، گفت: قرآن در اختیار انسان است و برای اینکه سهم انسان را در قرآن درک کنیم باید توجه کنیم که سه نزول برای انسان مطرح می‌شود، یکی نزول تدریجی است که آیات و سوره‌ها به تدریج نازل شده و بیست و سه سال شکل گرفته‌اند. نزول دیگری هم هست با عنوان نزول دفعی که چون آشکار نیست، برخی آن را قبول ندارند و بسیاری تنها نزول تدریجی را قبول دارند.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد افزود: ما با نزول دیگری هم مواجهیم که بیانگر سهم مشخص انسان در قرآن است. نزول سوم را می‌توان با آیه «وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم و [لی] ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید» (اسرا/ ۸۲) دریافت. نزول سوم قرآن نزول از قرآن است. از قرآن برای مومنین رحمت و شفا نازل می‌شود و برای ظالمین خسارت نازل می‌شود. بسته به انسان‌ها امور متفاوتی نازل می‌شود و سهم بزرگ انسان این است که اگر وضعیتش از گونه منفی باشد، جنبه‌های مثبت قرآن، برای او منفی می‌شود و قرآن که باید انسان را از ظلمات به نور ببرد در این مورد نتیجه عکس در پی خواهد داشت.

وی افزود: حضور انسان در قرآن بسیار وسیع است. قرآن پر از کلمه انسان است، انسان‌ها آزادند و حق دارند درباره قرآن سخن بگویند و نظر خود را داشته باشد.

لسانی در پایان گفت: خدا قرآن را با در نظر گرفتن سهم انسان نازل کرده است و هر فهمی که از قرآن توسط انسان ممکن است برداشت شود در قرآن لحاظ شده است. فهم انسان از قرآن، بخشی از قرآن است و خدا همه فهم‌های انسانی را از کلام خود در نظر گرفته است. قرآن نامه خداست، اما از حیث مختلف سهم انسان بسیار گسترده است. همان طور که قرآن خود را توصیف کرده است قرآن «تَحْنُ نَقْصٌ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْعَافِلِينَ» ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم بر تو حکایت می‌کنیم و تو قطعاً پیش از آن از بی‌خبران بودی» (یوسف/ ۳) کتاب قصه خداوند برای انسان است و تفاوت آن با قصه مادر برای فرزندش این است که برای آرامش و بیدار شدن و یافتن زندگی بهتر نوع بشر است. تمام قرآن بهترین داستان است و قرآن قصه‌ای طولانی است که خدا برای بشر می‌گوید تا آرامش یافته و آماده زندگی خوب باشد.